«فرهیختگان» درگفت‌وگو با کارشناسان بررسی کرد

پرترهٔ اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۴

بانیذ رحیمی - فاطمه‌سادات مرتضوی
گروه اقتصاد

سال ۱۴۰۳ با همه تلخکامی‌های خود، رو به پایان است. توالی مجموعه‌ای از رخدادهای عظیم غیراقتصادی با شوک‌های بسیار بالا به اقتصاد، به همراه تشدید نتازتری‌ها در برق و گاز، امسال را به یکی از تلخ‌ترین سال‌ها برای مردم و فعالان اقتصادی تبدیل کرد. اما جهش‌های اخیر نرخ ارز نیز چالش جدیدی بود که می‌گمان برداشت فعالان و آحاد اقتصادی از چشم‌انداز سال ۱۴۰۴ ازجمله افزایش نااطمینانی‌ها مؤثر خواهد بود. کارشناسان و فعالان اقتصادی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» معتقدند پیش‌بینی چشم‌انداز سال آینده به واسطهٔ پیچیدگی‌های خاصی که ناشی از سیاست بر سر اقتصاد بوده، بسیار دشوار است. با این حال، آنان در دو سناریو به تشریح دیدگاه‌ها و برآوردهای خود از وضعیت متغیرهای اقتصاد کلان در سال آتی پرداخته‌اند.

۲ سناریو پیش روی نرخ ارز

مهدی دارابی
کارشناس اقتصادی

در حال حاضر، نرخ ارز بالاتر از روند بلندمدت و تعادلی خود قرار دارد. این وضعیت، اگرچه صحیح است، به این معنا نیست که نرخ ارز غیرواقعی باشد. در حقیقت، این تفاوت به‌دلیل شکل‌گیری انتظارات منفی در خصوص آینده اقتصادی، هزینه‌های تجاری، صادرات نفت ایران، تأرامی‌های سیاسی و تورم است. این انتظارات منفی باعث شده‌اند که نرخ ارز کنونی از روند بلندمدت فراتر رود. آینده نرخ ارز به سه حالت مختلف بستگی دارد. در اولین حالت، اگر در ماه‌های آتی مشخص شود که انتظارات منفی فعالان اقتصادی و خانوارها بی‌اساس بوده است، انتظارات تعدیل می‌شود و نرخ ارز به روند بلندمدت خود باز خواهد گشت. لازم به ذکر است که این بازگشت به معنای بازگشت دقیق نرخ ارز به سطوح قبلی نیست، بلکه به معنای تطابق با روند بلندمدت است. در دومین حالت، اگر انتظارات منفی که در ذهن مردم شکل گرفته‌اند، مطابق با واقعیت باشد، تغییرات خاصی در روند نرخ ارز پیش‌بینی نمی‌شود. در سومین حالت، اگر انتظارات منفی بیش از حد باشد و شدت آن بیشتر از آنچه که پیش‌بینی می‌شد، باشد، نرخ ارز ممکن است از سطح فعلی هم فراتر رود. آینده نرخ ارز در سال ۱۴۰۴ به‌شدت بستگی به انتظارات اقتصادی فعالان اقتصادی، تهدیدات اقتصادی و سیاسی، صادرات و واردات و به‌طور کلی وضعیت اقتصاد کشور دارد. در چنین شرایطی، سیاست‌گذاران باید تلاش کنند تا با اتخاذ تدابیر واقعی، به مردم این اطمینان را بدهند که انتظارات منفی که در ذهنشان شکل گرفته است، به‌وقوع نخواهد پیوست. با توجه به احتمال تشدید تحریم‌ها، باید گفت که بخش قابل توجهی از این تحریم‌ها پیش از این در نرخ ارز لحاظ شده است. در حقیقت، اگرچه تغییراتی در متغیرهای اقتصادی ممکن است رخ دهد، اما تأثیر آن‌ها هم‌اکنون در نرخ ارز مشهود است. بنابراین، باید منتظر ماند و دید که آیا انتظارات منفی در آینده به واقعیت می‌پیوندد یا خیر. اگر این انتظارات بی‌پایه بوده و تعدیل شوند، نرخ ارز به روند بلندمدت باز می‌گردد. در مقایسه با شرایط سال ۱۳۹۷، وضعیت کنونی بسیار متفاوت است. نوسانات شدید نرخ ارز در شرایط تشدید تحریم‌ها بیم‌برانگیز است و تشنج‌های موجود تأثیر منفی زیادی بر وضعیت اقتصادی کشور خواهد داشت. تشدید تحریم‌ها هزینه‌های صادرات و روش‌های دور زدن تحریم‌ها را افزایش می‌دهد و به‌موازات آن، نرخ ارز نیز تحت تأثیر نوسانات این شرایط قرار خواهد گرفت. در خصوص راهکارها، معتقدم سیاست اقتصادی باز دولت می‌تواند بهترین روش باشد. بهره‌گیری بیشتر از نخبگان بخش خصوصی و سپردن مسئولیت‌های بیشتری به این بخش در تصمیم‌گیری‌ها، می‌تواند اثربخش باشد. همچنین، افزایش تنوع در فعالیت صرافی‌ها و واگذاری بیشتر تبادلات ارزی به بخش خصوصی از جمله اقدام‌هایی است که می‌تواند به بهبود شرایط کمک کند؛ چراکه تحریم‌ها عملاً تأمین‌های رسمی و دولتی را هدف قرار می‌دهند، در حالی که بخش‌های خصوصی، به‌ویژه بخش‌های فعال در سایه، با تنوع بیشتر می‌توانند در دور زدن تحریم‌ها و تسهیل فعالیت‌های اقتصادی، به نهادهای رسمی کمک کنند.

کامران سلطانی‌زاده
دبیرکل سابق کانون صرافان

در سال ۱۴۰۴، پیش‌بینی می‌شود اقتصاد ایران با دورهای پیچیده مواجه باشد؛ چراکه هنوز تحوصادرات، به‌ویژه صادرات نفت و راه‌های بازگشت ارز در شرایط تشدید تحریم‌ها مبهم است و وابسته به شرایط موجود خواهد بود. فعالیت اقتصادی نیازمند ثبات در شرایط مرکزی سیاسی است و تشنج‌های موجود تأثیر منفی زیادی بر وضعیت اقتصادی کشور خواهد داشت. تشدید تحریم‌ها هزینه‌های صادرات و روش‌های دور زدن تحریم‌ها را افزایش می‌دهد و به‌موازات آن، نرخ ارز نیز تحت تأثیر نوسانات این شرایط قرار خواهد گرفت. در خصوص راهکارها، معتقدم سیاست اقتصادی باز دولت می‌تواند بهترین روش باشد. بهره‌گیری بیشتر از نخبگان بخش خصوصی و سپردن مسئولیت‌های بیشتری به این بخش در تصمیم‌گیری‌ها، می‌تواند اثربخش باشد. همچنین، افزایش تنوع در فعالیت صرافی‌ها و واگذاری بیشتر تبادلات ارزی به بخش خصوصی از جمله اقدام‌هایی است که می‌تواند به بهبود شرایط کمک کند؛ چراکه تحریم‌ها عملاً تأمین‌های رسمی و دولتی را هدف قرار می‌دهند، در حالی که بخش‌های خصوصی، به‌ویژه بخش‌های فعال در سایه، با تنوع بیشتر می‌توانند در دور زدن تحریم‌ها و تسهیل فعالیت‌های اقتصادی، به نهادهای رسمی کمک کنند.

وضعیت تورم

حسین درودیان
اقتصاددان

در رابطه با چشم‌انداز اقتصاد ایران معتقد است: «با توجه به رویدادهای داخلی و جهانی، اقتصاد ایران در شرایط حساسی است. یکی از مهم‌ترین مسائل، کاهش فروش نفت به چین است. اگر چنین اتفاقی بیفتد، نرخ تورم افزایش خواهد یافت و نرخ ارز نیز با رشد بالایی مواجه خواهد شد. در غیر این صورت، می‌توان امیدوار بود که نرخ تورم در سطح فعلی باقی بماند. با این حال، ریسک افزایش تورم در سال آینده جدی است.»

سیدعباس عباسپور
کارشناس اقتصادی

«با توجه به افزایش نرخ ارز و انتظارات تورمی، رشد نرخ CPI و نرخ ارز در بازارهای رسمی و غیررسمی هر دو بر نرخ تورم تأثیرگذار خواهند بود. در سال آینده، نرخ تورم در سناریوی خوشبینانه بین ۳۵ تا ۴۰ درصد و در سناریوی واقع‌بینانه بین ۴۰ تا ۴۵ درصد پیش‌بینی می‌شود. این درحالی است که سال آینده سال دهم برجام بوده و اگر مکانیسم ماشه فعال نشود می‌توان انتظار داشت متغیرهای اقتصادی دچار بی‌ثباتی زیادی نشوند.» عباسپور درخصوص ریسک‌های اصلی سال ۱۴۰۴ می‌گوید: «نرخ ارز احتمالاً در سال آینده با افزایش همراه باشد. با توجه به عدم قاطعیت جدی از سوی بانک مرکزی در خصوص رفع تعهد صادرکنندگان عمده و خرد و نیز نیاز مبرم کشور به ارز جهت تأمین نیازهای مصرفی و کالاهای واسطه‌ای و ماشین‌آلات تولید، تقاضای ارز در بازارهای رسمی و غیررسمی ممکن است افزایش یابد. همچنین تقاضای احتیاطی و سفته‌بازی نیز به این تقاضا افزوده خواهد شد. از سوی دیگر، با توجه به احتمال اعمال محدودیت‌هایی از سوی دولت آمریکا بر درگاه‌های مالی و انتقالات پولی مادر امارات، ترکیه، چین و سایر کشورها، فروش صادرات نفتی نیز با محدودیت مواجه خواهد شد. با توجه به شرایط موجود، انتظار می‌رود نرخ ارز ۳ تا ۴ درصد افزایش یابد.»

سیاست‌های پیشنهادی برای دولت

درودیان پیشنهادهای خود را برای دولت در سال ۱۴۰۴ را در ۳ دسته طبقه‌بندی کرد و گفت دو بخش در دولت نیازمند سیاست‌های هوشمندانه است:

۱. سیاست‌های توسعه‌ای: دولت باید سیاست‌های توسعه‌ای معطوف به سرمایه‌گذاری‌های کلیدی در بخش‌هایی مانند انرژی و مسکن اتخاذ کند که می‌تواند به کاهش عدم تعادل در اقتصاد کمک کند.

۲. سیاست‌های رفاهی: دولت باید به جای ارزان‌سازی ارز، به حمایت‌های مستقیم کالایی و رفاهی توجه کند که می‌تواند به بهبود وضعیت معیشتی مردم کمک کند. وی افزود: «دولت باید برای کاهش شکاف بین نرخ تورم و دستمزدها، سیاست‌هایی جهت افزایش نرخ دستمزدها اتخاذ کند. این افزایش باید به گونه‌ای باشد که فشار زیادی بر کسری بودجه نیاورد. همچنین، دولت باید برای فروش کالاها و خدمات به قیمت‌های مناسب‌تر برنامه‌ریزی کند.»

۳. تمرکز بر نتازتری انرژی: درودیان در پایان تأکید کرد: «دولت به جای تمرکز بر متغیر هایی پولی و مالی مانند رشد نقدینگی و کسری بودجه، باید بر مسائل واقعی اقتصادی تمرکز کند. مشکلاتی مانند کمبود گاز، آب و مسکن باید به‌عنوان اولویت‌های اصلی در نظر گرفته شوند. دولت باید برای حل این مشکلات، بودجه و نقدینگی را به‌طور مناسبی تخصیص دهد.»

عباسپور نیز در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درخصوص سیاست‌های پیشنهادی به دولت برای سال آینده عنوان کرد: «نخستین گام دولت باید انتخاب یک راهکار مرکزی برای حل مسائل اقتصادی و خروج از فضای بلاتکلیفی موجود باشد. در وهله دوم، دولت می‌تواند از طریق شبکه بانکی ظرفیت‌های داخلی را فعال کند و سرمایه‌گذاری‌های داخلی را بهبود بخشد. همچنین، جذب سرمایه‌گذاری خارجی از کشورهای مختلف، ازجمله چین و روسیه، می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی کمک کند. به نظر من مهم‌ترین اقدام دولت باید افزایش حداقل دستمزد کارگران به اندازه تورم (حداقل ۳۵ تا ۴۰ درصد) باشد. من تومان امیدوار بود که در سال آینده با افزایش قدرت خرید خانوار و تقاضای مؤثر، اقتصاد کشور تا حدودی بهبود یابد. در حالت کلی، با توجه به وضعیت فعلی چشم‌انداز روشنی برای افزایش حداقل حقوق و دستمزد در شورای عالی کار نمی‌بینم. تصمیمات قاطع و اجرای سیاست‌های مناسب از سوی دولت می‌تواند شرایط را تعدیل کند.»

وضعیت رشد اقتصادی

حسین درودیان
اقتصاددان

«در سال آینده احتمالاً تجارت اساسی در وضعیت کلی اقتصادی رخ نخواهد داد. فشارهای اقتصادی آمریکا به ایران ممکن است افزایش یابد، اما این فشارها احتمالاً در یکی دو سال آینده و نه امروز رسید. بنابراین، شرایط اقتصادی سال آینده مشابه امسال خواهد بود؛ به این معنا که نرخ تورم احتمالاً بیشتر و رشد اقتصادی کمتر خواهد بود. نرخ ارز نیز احتمالاً روند مشابهی با سال جاری خواهد داشت.»

سیدعباس عباسپور
کارشناس اقتصادی

«پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی در سال ۱۴۰۴ به دلیل تنگناهای تأمین مالی، محدودیت‌های ناشی از تحریم و کاهش رشد سرمایه‌گذاری که پشتوانه رشد اقتصادی است، از ۴ درصد در بهار امسال به ۱/۶ درصد کاهش یابد و به سمت صفر میل کند. همچنین، مشکلاتی نظیر نتازتری انرژی و خشکسالی نیز در سال آینده ادامه خواهند داشت. بر این اساس، رشد اقتصادی برای صنایع عمده و غیرعمده در سناریوی واقع‌بینانه صفر و در سناریوی خوشبینانه یک تا دو درصد خواهد بود.»

عباسپور افزود: «در حوزه اشتغال، به‌دلیل عدم اقدام مناسب از سوی دولت تاکنون، نرخ بیکاری مشابه سال ۱۴۰۳ خواهد بود و جمعیت مؤثر و فعال نیروی کار افزایش چندانی نخواهد داشت. در حوزه سرمایه‌گذاری، با توجه به رشد منفی یا صفر در سه‌ماهه سوم سال، احتمالاً رشد سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه خالص نیز به سمت منفی شدن خواهد رفت. در مجموع، برای اقتصاد ایران در سال آینده، بازگشت به شرایط رکود تورمی اواسط دهه شدید آن سال، عمدتاً به دلیل دوره طولانی تصویب تحریم‌ها و کاهش شدید صادرات نفت بود. در حال حاضر، تجربه خوبی در مدیریت هزینه‌های تجاری، دور زدن تحریم‌ها و تأمین نیازهای ارزی ایجاد شده است. به همین دلیل، فشارهای مشابه سال ۱۳۹۷ در سال ۱۴۰۴ بعید به نظر می‌رسد. یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کنترل انتظارات در حال حاضر، فروش نفت و بازگشت ارز ناشی از آن است. این امر به اقدامات اقتصادی و دیپلماتیک نیاز دارد تا صادرات نفت و دریافت ارز از آن به طور ایمن و پایدار انجام شود. در مجموع، به نظر می‌رسد که نفت و سیاست‌گذاری‌های مناسب در این حوزه، نقش کلیدی در ثبات اقتصادی و کنترل نرخ ارز ایفا خواهند کرد.

کامران سلطانی‌زاده
دبیرکل سابق کانون صرافان

در سال ۱۴۰۴، پیش‌بینی می‌شود اقتصاد ایران با دورهای پیچیده مواجه باشد؛ چراکه هنوز تحوصادرات، به‌ویژه صادرات نفت و راه‌های بازگشت ارز در شرایط تشدید تحریم‌ها مبهم است و وابسته به شرایط موجود خواهد بود. فعالیت اقتصادی نیازمند ثبات در شرایط مرکزی سیاسی است و تشنج‌های موجود تأثیر منفی زیادی بر وضعیت اقتصادی کشور خواهد داشت. تشدید تحریم‌ها هزینه‌های صادرات و روش‌های دور زدن تحریم‌ها را افزایش می‌دهد و به‌موازات آن، نرخ ارز نیز تحت تأثیر نوسانات این شرایط قرار خواهد گرفت. در خصوص راهکارها، معتقدم سیاست اقتصادی باز دولت می‌تواند بهترین روش باشد. بهره‌گیری بیشتر از نخبگان بخش خصوصی و سپردن مسئولیت‌های بیشتری به این بخش در تصمیم‌گیری‌ها، می‌تواند اثربخش باشد. همچنین، افزایش تنوع در فعالیت صرافی‌ها و واگذاری بیشتر تبادلات ارزی به بخش خصوصی از جمله اقدام‌هایی است که می‌تواند به بهبود شرایط کمک کند؛ چراکه تحریم‌ها عملاً تأمین‌های رسمی و دولتی را هدف قرار می‌دهند، در حالی که بخش‌های خصوصی، به‌ویژه بخش‌های فعال در سایه، با تنوع بیشتر می‌توانند در دور زدن تحریم‌ها و تسهیل فعالیت‌های اقتصادی، به نهادهای رسمی کمک کنند.

نوسان ۱۰ تا ۲۰ درصدی طلا در سال جدید

علی سعدوندی
اقتصاددان

در حال حاضر قیمت طلای جهانی در سطح نسبتاً بالایی قرار دارد و پیش‌بینی می‌شود سال آینده این روند تا حدودی ادامه یابد. احتمالاً قیمت طلا تا ۱۰ تا ۲۰ درصد تغییر خواهد داشت، بالاتر یا پایین‌تر از سطح کنونی. با این حال اخیراً خبری مبنی بر احتمال بازگشت رکود اقتصادی در ایالات متحده مطرح شده است. در صورت وقوع رکود، این موضوع نیاز به بررسی دارد که آیا رکود به صورت تورمی خواهد بود یا غیرتورمی؟ براساس تحلیل‌ها، زمانی که رکود در اقتصادهای پیشرفته برقرار می‌شود، معمولاً تورم کاهش پیدا می‌کند و رکود تورمی به طور پایدار باقی نمی‌ماند. بنابراین اگر تورم کاهش یابد و رکود در اقتصاد ایالات متحده حکم‌فرما شود، احتمال کاهش قیمت طلا در سطح جهانی وجود دارد.

در بازار داخلی به دلیل شرایط ژئوپلیتیکی و ادامه وضعیت ناپایدار منطقه، قیمت طلا در ایران به طور موقت با حبابی روبرو شده است. این حباب احتمالاً پس از حل شدن شرایط موجود به سطح عادی بازخواهد گشت، اما درصورتی که وضعیت وخیم‌تر شود، نه‌تنها این حباب تشدید خواهد شد، بلکه قیمت ارز نیز افزایش خواهد یافت. درمجموع پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهند قیمت طلا در بازار جهانی در همین حدود باقی خواهد ماند. در سال‌های اخیر بحث کوپن به‌عنوان رقیب جدی طلا ظاهر شده بود، اما اخیراً تضعیف شده که به تقویت جایگاه طلا کمک می‌کند. همچنین روند خرید طلا توسط بانک‌های مرکزی همچنان ادامه دارد که این عامل نیز به تقویت قیمت طلا در بازار جهانی کمک می‌کند. با توجه به این شرایط پیش‌بینی‌ها درباره کاهش یا افزایش قیمت طلا هنوز دقیق نیست، اما توصیه می‌شود افراد برای تنوع در سبد دارایی‌های خود، مقداری طلا به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری مطمئن نگه دارند. این توصیه هم برای بازار جهانی و هم در داخل ایران معتبر است.

محمدکشتی‌آرای
کارشناس ارشد بازار طلا

نرخ طلا در سال آینده قابل پیش‌بینی نیست و این امر دلایل متعددی دارد؛ نخستین دلیل به‌واسطهٔ قیمت طلا به عوامل متنوع داخلی و بین‌المللی برمی‌گردد. یکی از این عوامل مسائل جهانی است که تأثیر زیادی بر قیمت طلا دارد. علاوه بر این وضعیت اقتصادی داخلی کشور، به‌ویژه نرخ ارز نیز بر قیمت طلا تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل به توجه به تنوع و پیچیدگی این عوامل پیش‌بینی دقیق قیمت طلا در سال آینده امکان‌پذیر نیست. درعین حال می‌توان برخی تحلیل‌ها را در خصوص روند کلی قیمت طلا مطرح کرد. برای مثال اتفاقات جهانی مانند نوسانات قیمت نفت و تحولات سیاسی می‌توانند تأثیر مستقیمی بر قیمت طلا داشته باشند. به‌ویژه اگر بحران‌ها و تنش‌های جهانی مانند جنگ اوکراین به کاهش یا برقراری صلح بینجامند، ممکن است روند افزایشی قیمت طلا متوقف شود. اما اگر جنگ یا بحران‌های مشابه در نقاط دیگر دنیا اتفاق بیفتند، تأثیر آن بر قیمت طلا اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. با توجه به این شرایط، به نظر می‌رسد که قیمت طلا در سال آینده ممکن است به محدوده سه هزار دلار برای هر اونس برسد. اما در خصوص مسائل داخلی، با توجه به شرایط پیچیده و متغیر کشور هیچ پیش‌بینی دقیقی نمی‌توان ارائه داد.

بورس پیش‌بینی ناپذیر

فردین آقابزرگی
کارشناس بازار سرمایه

در سال ۱۴۰۳، با چالش‌ها و تغییرات فراوانی در عرصه‌های اقتصادی مواجه بودیم که تأثیرات زیادی بر بازار سرمایه داشت. تغییرات اساسی در متغیرهای کلان اقتصادی، از جمله نرخ تورم و سیاست‌های قیمت‌گذاری در صنایع مختلف نظیر پتروشیمی و پالایشگاه‌ها، به‌علاوه تحولات سیاسی و نظامی در منطقه خاورمیانه، به‌ویژه جنگ‌های بین اسرائیل، ایران، حماس و حزب‌الله، شاخص بورس کشور را تحت تأثیر قرار داد. این اتفاقات باعث شد شاخص کل بورس تنها ۲۴ درصد بازدهی مثبت داشته باشد و شاخص هموزن تنها ۷ درصد رشد کند. بدتر از آن، شاخص کل فرابورس با افت ۳ درصدی مواجه شد و شاخص هموزن نیز بازدهی منفی حدود ۲ درصد را ثبت کرد. در مجموع، سال ۱۴۰۳ رکود قابل توجهی در بازار سرمایه مشاهده شد، مشابه با سایر بازارها. این وضعیت ناامیدکننده بود، اما امیدوارم که این افت شدید در سال جدید جبران شود. تغییرات اقتصادی و همچنین استیضاح وزیر اقتصاد در هیئت دولت و دیگر چالش‌های اقتصادی باعث شدند تا بازدهی بازار تحت فشار قرار گیرد. اگر بخواهیم پیش‌بینی‌هایی برای سال ۱۴۰۴ داشته باشیم، بررسی تاریخچه بازدهی بورس در بازه‌های زمانی بلندمدت می‌تواند راهگشا باشد. به‌طور مثال، طی ۳۰ سال گذشته، بورس ایران توانسته است رشد ۱۶۴۰ درصدی را ثبت کند که حدود ۱۶ برابر رشد سکه بوده است. با وجود افت شاخص بورس در سال گذشته، در مجموع طی شش سال گذشته، بورس رشد قابل توجهی را تجربه کرده است. با این حال، پیش‌بینی شرایط اقتصادی سال ۱۴۰۴، به‌ویژه با توجه به انتظار گسترده‌تر شدن تحریم‌ها، فشارهای سیاسی و نتازتری ارزی، کار دشواری است. همچنین، در شرایط کنونی، دولت با مشکلات جدی در تأمین کالاهای اساسی روبه‌رو است و حتی بدترین سناریوهای اقتصادی نیز برای سال جاری پیش‌بینی شده است. بنابراین، پیش‌بینی دقیق شرایط اقتصادی و بازار سرمایه در این شرایط پیچیده و پر ریسک بوده و ممکن است با خطاهای جدی همراه باشد. امیدوارم که این مشکلات در سال جاری حل شود و بازدهی بازار سرمایه بهبود یابد.

احمد جانجان
کارشناس بازار سرمایه

در روزهای اخیر شاهد بودیم که قیمت دلار دوباره به محدوده ۹۴ هزار تومان رسید. در این راستا، برخی نمایندگان که افزایش نرخ ارز را به سیاست‌های آقای محمود نسبت می‌دادند، اکنون می‌بینیم که استدلال‌هایشان نادرست بوده است. اگرچه پیش‌تر هشدار دادیم که این نوع سیاست‌ها و تسویه‌حساب‌های سیاسی، منافع ملی را به خطر می‌اندازد، اما متأسفانه چنین رخدادهایی ادامه یافت. بازار مسهام حدود هشت میلیارد دلار از ارزش خود را از دست داد، که معادل ۷۵۲ هزار میلیارد تومان (هم‌ارز کسری بودجه) است. این ضرر ناشی از تصمیمات اقتصادی نادرست، به‌ویژه از سوی برخی نمایندگان مجلس، به اقتصاد کشور وارد شد و به وضوح نشان می‌دهد که منافع سهامداران و مردم از دست رفته است. بسیاری از سهامداران بزرگ در بورس، که در حقیقت خود از قشر بازنشسته هستند، از این ضرر مستقیم متضرر شدند.

علی‌رغم این مشکلات، نمایندگان همچنان در پی سیاسی‌کاری هستند و هیچ مسئولیتی در قبال بحران‌های اقتصادی نمی‌پذیرند. حتی در مورد نرخ ارز، که تغییرات جزئی آن‌گپس‌ترسیپ‌اثرات‌های گسترده‌این نمایندگان می‌شد، اکنون هیچ گونه واکنشی نمی‌بینیم. این مسئله تا جایی پیش رفته که در صداوسیما نیز برنامه‌ها بیشتر به تریبونی برای مخالفان دولت تبدیل شده است. به جای ارائه تحلیل‌های کارشناسی و منصفانه، شاهد بخش مداوم برنامه‌هایی هستیم که تنها به اظهارات نادرست اقتصادی پرداخته می‌شود.

در این شرایط، اگر بخواهیم به آینده بازار سهام نگاه کنیم، باید گفت با توجه به ریسک‌های موجود، این بازار تحت تأثیر تحولات اقتصادی و سیاسی قرار خواهد گرفت. پیش‌بینی می‌شود که در صورت پیشروی مذاکرات برجام، به ویژه در خرداد و تیر ماه، ممکن است شاهد شوک‌های اقتصادی و تکانه‌های قیمتی در نرخ ارز باشیم. از سوی دیگر، اگر مکانیسم اسنپ‌بک فعال شود، احتمال تشدید کسری بودجه دولت وجود دارد که طبیعتاً تأثیرات آن بر بازار سهام نیز خواهد بود. در صورتی که تحریم‌ها تشدید شود، به‌ویژه با توجه به مشکلات ساختاری اقتصاد ایران، فشار زیادی به کشور وارد خواهد شد. نتازتری اقتصادی و کمبود منابع ارزی از جمله چالش‌های عمده‌ای هستند که در اثر تصمیمات اشتباه گذشته به وجود آمده‌اند. در حال حاضر، بسیاری از صنایع به دلیل کمبود برق و گاز در تابستان و زمستان، تولیداتشان کاهش قابل توجهی داشته است، که این امر بر تراز تجاری و GDP کشور تأثیر منفی خواهد گذاشت.

در چنین شرایطی، پیش‌بینی می‌شود که نرخ ارز مجدداً افزایش یابد و بازار سهام به تبع آن دچار نوسانات جدید شود. با این حال، اگر دولت تصمیم به اصلاح سیاست‌های اقتصادی خود بگیرد و نرخ ارز به ثبات برسد، امکان رشد بازار سهام وجود دارد. متأسفانه، شاهد بخش مداوم برنامه‌هایی هستیم که به تصمیمات گپسته است و باید دید که نماینده‌گان مجلس و دولت چه رویکردی را در پیش خواهند گرفت. در نهایت، اگر نرخ ارز در مسیر ثبات قرار گیرد، می‌توان امید داشت که بازار سهام مجدداً رشد کند و شاخص‌ها به ارقام بالاتری دست یابند. با این وجود، همچنان متغیرهای زیادی وجود دارد که باید بررسی شوند.

ادامه در صفحه ۱۵

سناریوهای پیش روی بازارهای مالی

مهدی سوری
کارشناس بازار سرمایه

پیش‌بینی آینده اقتصادی کشور و بازار سرمایه امری دشوار است و واقعیتی که باید به عنوان سرمایه‌گذاران بپذیریم این است که هیچ‌گاه نمی‌توانیم آینده را به طور قطعی پیش‌بینی کنیم. با این حال، بر اساس چشم‌انداز موجود و شرایط فعلی، می‌توانیم احتمالاتی را در نظر بگیریم و با در نظر گرفتن ریسک‌ها و فرصت‌ها، کاهش این حذف شکاف بین نرخ ارز توافقی و آزاد است. کاهش این شکاف می‌تواند به نفع تولید و بازار سرمایه باشد. نرخ بهره نیز از دیگر عوامل تأثیرگذار است. زمانی که تورم به شدت بالا باشد، سیاست‌گذاران معمولاً از کاهش نرخ بهره می‌ترسند، چراکه در شرایطی که تولید به بازدهی مطلوب نمی‌رسد، افزایش هزینه‌های تأمین مالی تولید موجب رکود در این بخش خواهد شد. از سوی دیگر، در بازار سرمایه، باید این نکته را در نظر گرفت که بسیاری از شرکت‌ها به دلیل افزایش ریسک‌ها، از نظر بازار پایین‌تر از ارزش واقعی خود معامله می‌شوند. در شرایط فعلی، برخی از این شرکت‌ها با توجه به سطح بالای ریسک، از دید سرمایه‌گذاران ارزنده محسوب می‌شوند. در صورت کاهش این ریسک‌ها، بازار سرمایه مستعد رشد خواهد بود، ولی اگر شرایط به سمت بدتر شدن پیش رود، بازاری مناسب برای سرمایه‌گذاری نخواهد بود.

از نظر سرمایه‌گذاران، مهم است که به چند نکته توجه کنند. سرمایه‌گذاران حرفه‌ای معمولاً به دنبال خرید ارزان و فروش گران هستند. در حالی که سرمایه‌گذاران غیرحرفه‌ای بیشتر تمایل دارند وارد بازارهایی شوند که بازدهی زیادی تولید و تصمیمات اقتصادی را به ابهام می‌برد.

در حوزه نرخ ارز، مادامی که التهاب در بازار ارز آزاد وجود داشته باشد، سیاست‌گذار نمی‌تواند اجازه دهد که قیمت ارز توافقی به صورت کامل هم‌راستا با نرخ آزاد شود. شرکت‌ها نیز در نظر گرفتن ریسک‌ها و فرصت‌های موجود، استراتژی‌های سرمایه‌گذاری خود را تنظیم کنیم. اقتصاد کشور وضعیت سیاسی در سال‌های اخیر با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده است که این چالش‌ها تأثیرات زیادی بر بازارهای مولد و سرمایه‌گذاری‌ها داشته است. در حالی که در بخش‌های غیرمولد اقتصادی مالی تولید سرمایه‌گذاری‌های تورمی، بازدهی بهتری مشاهده شده، اما در بازارهای مولد مانند تولید و بورس بازدهی مناسبی کسب نکرده‌ایم.

یکی از چالش‌های فعلی در اقتصاد ایران، عدم قطعیت‌ها در حوزه‌های سیاسی و بین‌المللی است. مسائل مرتبط با روابط ایران با آمریکا و اسرائیل همچنان موجب ایجاد تردید در تصمیمات اقتصادی و سیاسی کشور شده است. این عدم قطعیت‌ها در سیاست خارجی، به ویژه در خصوص سیاست‌های حمایتی از تولید، وضعیت بازار را پیچیده کرده است. بخشی از حاکمیت به دنبال واقع‌گرا کردن حمایت‌ها از تولید و حذف سیاست‌های دستوری است، در حالی که گروهی دیگر خواهان کنترل‌گری حداکثری دولت هستند. این چالش‌ها آینده حمایت از تولید و تصمیمات اقتصادی را به ابهام می‌برد.

در حوزه نرخ ارز، مادامی که التهاب در بازار ارز آزاد وجود داشته باشد، سیاست‌گذار نمی‌تواند اجازه دهد که قیمت ارز توافقی به صورت کامل هم‌راستا با نرخ آزاد شود. بنابراین، باید توجه داشت که برای سرمایه‌گذاری صحیح، بهتر است در بازارهایی وارد شویم که هنوز از رشد کافی برخوردار نشده‌اند و به نسبت بازارهای دیگر، عقب‌مانده هستند.

سرور قاراخانی
کارشناس بازار سرمایه

در سال ۱۴۰۳، همان‌طور که شاهد بودیم، وضعیت اقتصادی کشور و بازار سرمایه با چالش‌های زیادی مواجه بود. بازار سرمایه نتوانست رشد قابل توجهی را تجربه کند و ساختار اقتصادی کشور به گونه‌ای نبود که با برنامه‌ریزی دقیق قادر به مقابله با موانع و مشکلات اقتصادی باشد. علاوه بر این، سایه تحریم‌ها و دیگر ریسک‌های ناشی از وضعیت جنگی نیز تأثیرات منفی بر اقتصاد کشور گذاشت. ریسک‌هایی که از صادرات و فروش ناشی می‌شد، به طور مستقیم بر سودآوری شرکت‌ها اثر می‌گذاشت و چالش‌هایی در تولید ایجاد می‌کرد که به اصطلاح منجر به نتازتری‌های تجاری و صادراتی شد. این مشکلات موجب کاهش تقدینگی و انتقال آن به بازارهایی نظیر ارز، طلا و مسکن گردید.

برخی سیاست‌های بانک مرکزی هم در مجموع، ضد منافع بازار سرمایه بود. به علاوه، خصوصی‌سازی‌ها نتوانست نتایج مورد انتظار را به همراه داشته باشد. در این شرایط، سیاست‌های اقتصادی و تحریم‌ها باعث شد بازار سرمایه در یک مقطع زمانی خاص داشته‌اند. این اشتباه می‌تواند باعث خرید در قیمت‌های بالا و فروش در قیمت‌های پایین شود. بنابراین، باید توجه داشت که برای سرمایه‌گذاری صحیح، بهتر است در بازارهایی وارد شویم که هنوز از رشد کافی برخوردار نشده‌اند و به نسبت بازارهای دیگر، عقب‌مانده هستند.

سرنوشت درآمد نفتی در ۱۴۰۴

سیداحسان حسینی
خبرنگار گروه اقتصاد

یکی از سوالات مهم اقتصادی درباره سال ۱۴۰۴ به میزان فروش نفت و قیمت آن برمی‌گردد. در این راستا، ابهام در این است که بودجه مشابه سال جاری با کسری بودجه مواجه خواهد شد و این کسری قرار است از طریق انتشار اوراق تأمین شود که باعث فشار به بازار بدهی و افزایش نرخ بهره در اقتصاد خواهد شد؛ چراکه نرخ بهره اوراق بدون ریسک افزایش می‌یابد و درنتیجه سایه نرخ‌ها در اقتصاد نیز بالا خواهد رفت. این افزایش نرخ‌ها، دسترسی تولیدکننده‌گان به منابع مالی و تولید را کاهش داده و هزینه‌های اقتصادی به ویژه هزینه‌های بهره‌ای را افزایش خواهد داد.»

کسری ۱۹۰ هزار دلار از عدم تحقق درآمد نفتی

سهم فروش روزانه نفت در قانون بودجه ۱۴۰۴ به ۵ قسمت تقسیم می‌شود که عبارتند از:

نیروهای مسلح و طرح‌های آن: ۵۵۰ هزار بشکه

بازپرداخت تعهدات ماده ۱۲: ۵۰ هزار بشکه

دولت: ۴۷۰ هزار بشکه

صندوق توسعه ملی: ۶۰۰ هزار بشکه

شرکت ملی نفت: ۱۸۱ هزار بشکه

طبق قانون بودجه، درآمد نفتی دولت، صندوق توسعه ملی و شرکت ملی نفت مجموعاً ۲۹ میلیارد دلار تعیین شده که این عدد بر مبنای قیمت ۶۳ دلار بر بشکه و میزان فروش ۱/۲ میلیون بشکه در روز محاسبه شده است.

اما براساس پیش‌بینی مرکز پژوهش‌های مجلس، قیمت هر بشکه نفت در سال ۱۴۰۴ معادل ۶۰ دلار بوده و میزان فروش نفت ۱/۱ میلیون بشکه در روز خواهد بود.

بدین ترتیب، درآمد نفتی حاصله به ۲۴ میلیارد دلار خواهد رسید و با احتساب استقراض دولت از صندوق توسعه ملی، دولت مجموعاً به میزان ۱۹۰ هزار میلیارد تومان از محل عدم تحقق درآمد نفتی دچار کسری بودجه می‌شود. البته به نظر می‌رسد، برآورد مرکز پژوهش‌های مجلس نیز کمی نسبت به واقعیات بازار نفت انحراف داشته باشد.

انحراف ۳۵ درصدی از صادرات ۱/۸۵ میلیون بشکه

به‌طورکلی درباره میزان صادرات نفت ایران، تردیدهای